

متن پرسش

سلام استاد: خاطر من هست که در جایی می فرمودید باید خوف و رجاء در انسان به یک اندازه باشد. از آنجا که بنده فعلاً در شرایطی هستم که یأس از رحمت خدا تا حدودی بر من غالب هست خواستم در مورد افق و حد امید به رحمت الهی برایم بگویید که تا کجاست. در جایی دیدم که امیرالمؤمنین علیه السلام به خدای متعال عرضه می دارند: «الهی و عزتک و جلالک و لو قرننتی فی الاصفاد طول الایام و منعتنی سبک من بین الانام و حلت بینی و بین الکرام ما قطعت رجائی منک و لا صرفت وجه انتظاری للعفو عنک»: «معبودا به عزت و جلالت سوگند اگر روزهای طولانی مرا با غل و زنجیر (کیفرت) ببندی و قرین (و همدم) سازی، و از میان همه مردم فقط مرا از عطای خویش بازداری و میان من و خوبان والامقام و گرامی حائل شوی، هیچ گاه امید من از تو قطع نشود، و روی امیدی را که به عفو و گذشت تو دارم به سوی دیگری باز نگردانم.» آیا در این فراز اشاره به افق امید به رحمت الهی مطرح شده و می خواهد بفرماید که حتی در دل آنچنان بلاهایی هم باز جای امید به رحمت الهی وجود دارد؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: فدای مولایمان باشم که این اندازه متوجه رحمت حضرت حق می‌باشند نسبت به بندگان. آری! حقیقتاً نسبت خداوند به بندگان چنین است و در همین رابطه جناب مولوی متذکر می‌شوند: «در بلا هم می‌چشم الطاف او / مات اویم مات اویم مات او». موفق باشید